

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰
صفحه ۲۴۳ تا ۲۵۶

سازوکارهای مبارزه با جرایم تروریستی در حقوق ایران با تأکید بر امنیت ملی

سید ولی نور اشرف الدین / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

s.v.noori93@gmail.com

حسن حاجی تبار فیروزجایی / استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران. (نویسنده مسئول)

hajitabar@yahoo.com

سید رضا احسانپور / استادیار گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. Ehsanpour@gmail.com

چکیده

امروزه تروریسم به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث تهدیدآمیز در سطح بین‌المللی مطرح شده و کشورهای بسیاری را با چالش امنیتی روبرو کرده است. از طرفی دیگر صیانت از ارزش‌های بنیادین جامعه، در قالب دکترین امنیت ملی، به ضرورتی تردیدناپذیر تبدیل شده است. بر این اساس پژوهش حاضر این سؤال را مطرح می‌کند: سازوکارهای مقابله با جرایم تروریستی در حقوق ایران که با هدف حمایت از امنیت ملی صورت می‌گیرد، به چه نحوی است؟ رویکردهای حقوقی مقابله با تروریسم ایران هرچند به وضوح در قالب تروریسم بیان نشده است، اما حاکی از رویکرد دفاعی است. تفکیک مصادیق ناقض امنیت ملی به محاربه، بغی و فساد فی الارض در حقوق ایران دیده می‌شوند، اما تحت عنوان جرایم تروریستی قرار نگرفته‌اند. با این حال، ضرورت دارد در حقوق داخلی، مصادیق تروریسم و سازوکارهای قانونی مقابله با آن تدوین و به مرحله اجرا گذاشته شود. در راه مقابله با تروریسم در داخل، برخی شرایط قانونی تحت تأثیر شرایط سیاسی، ایدئولوژیکی و ملاحظات امنیتی قرار دارد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است که با تکیه بر منابع اسنادی انجام شده است.

کلیدواژه: تروریسم، جرایم تروریستی، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۱/۰۹

این مقاله برگرفته از رساله دکتری سید ولی نور اشرف الدین می‌باشد

مقدمه

تروریسم یکی از مسائل اساسی دنیای معاصر است که نقش مهمی در مسائل گوناگون از جمله حکمرانی، حقوق بشر، حقوق شهروندی و امنیت ملی دارد. از طرفی دیگر، امنیت و مطرح شدن آن در قالب امنیت ملی، اساسی‌ترین نیاز بشر است و به همین دلیل تأمین یا حفظ آن نخستین وظیفه حکومت‌ها است. تصدیق این گزاره نیازی به تأمل و مجادله علمی ندارد و در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی معاصر، از بدیهی‌ترین اصول شناخته می‌شود. گرچه، همه جرایم به نوعی امنیت را خدشه‌دار می‌کنند، اما در برخی جرایم این خصیصه روشن‌تر است. به عبارت دیگر، به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط هستند. جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی از جمله تروریسم جرایمی است که بر ضد حاکمیت و تمامیت ارضی بوده و مصالح عالیه جامعه را هدف قرار می‌دهند. به همین دلیل، حساسیت گسترده در برابر مهار و مقابله با تروریسم در اغلب کشورهای جهان وجود دارد. در این جرایم منافع جامعه در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، برخلاف جرایم علیه اموال و مالکیت که در درجه دوم اهمیت به منافع جامعه توجه می‌نماید و منافع شخصی افراد در درجه اول قرار دارد. با توجه به اهمیت جرائم علیه امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی، نوع و شیوه جرم‌انگاری، چگونگی تعیین نوع مجازات، نحوه تنظیم آیین دادرسی و به طور کلی، چگونگی به کارگیری اصول کلی حاکم بر امنیت ملی مورد توجه است.

با توجه به تأثیرگذاری تروریسم بر امنیت داخلی و خارجی کشورهای جهان، بیش از آن میزان که دولت‌ها در قلمرو مسائل شخصی و اخلاقی، به جهت رعایت «حقوق شهروندی» و آزادی‌های مشروع افراد جامع، رویکرد حداقلی و اصل مداخله کمینه حقوق کیفری را در پیش گرفته‌اند، در حوزه اعمال زیانبار علیه امنیت، به خاطر حفظ نظم عمومی و ایجاد ثبات در حاکمیت سیاسی، به جرم‌انگاری موسع و حداکثری روی آورده و بعضاً در مورد این جرائم از اصول کلی و تثبیت شده حقوق جزا عدول کرده‌اند. در زمینه قواعد شکلی نیز به موازات آنکه در دهه‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها سیاست گسترده اعاده دادرسی یا منصفانه و تضمین حقوق دفاعی و حقوق شهروندی متهم را نسبت به مرتکبان جرائم غیرامنیتی اعمال نموده‌اند، به روش‌های متفاوت، زمینه محدود ساختن تضمینات دادرسی زیر نسبت به مرتکبان جرائم علیه امنیت فراهم شده است. همین روش‌های متفاوت در برخورد و مواجهه با تروریسم در کشورهای مختلف نیز دیده می‌شود. بنابراین مشاهده می‌شود که تروریسم و رویکردهای حقوقی و قانونی نسبت به آن و همچنین ترسیم مقوله امنیت ملی در نسبت با تروریسم، جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌ورزی دولتمردان در دوره معاصر پیدا کرده است.

در همین راستا پژوهش حاضر درصدد است تا با بررسی مصادیق جرایم تروریستی در حقوق ایران، به بررسی مصادیق آن، نحوه مواجهه با تروریسم و همچنین تأثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

مجید معصومی و احمد ساعی (۱۳۹۱) در پژوهش خود «تأثیر تروریسم بر امنیت ملی (جمهوری اسلامی ایران)» بر جنبه‌های داخلی و خارجی ظهور و گسترش تروریسم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کنند. همچنین آنان بر این عقیده هستند که پاسخ-دهی به تقاضاهای عمومی داخلی به شکل قابل توجهی می‌تواند مانعی برای ظهور تروریسم داخلی باشد. در مقاله بهزاد قاسمی (۱۳۹۷)، با عنوان «مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی ایران و ایالات متحده در قبال تروریسم» نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که مقابله با تروریسم از سوی جمهوری اسلامی ایران جهت ایجاد ثبات ولی مقابله با تروریسم از سوی ایالات متحده در بقای تروریسم است. مهدی ذوالفقاری و ایمان خسروی (۱۳۹۴)، در پژوهش «تحرك بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تأثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مقابله با تروریسم را رویکردی دفاعی و مبتنی بر دیپلماسی دفاعی تلقی می‌کنند. شریفی طرازکوهی و شبستانی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش «مقابله با تروریسم در پرتو سیاست‌های اتخاذی ج.ا.ایران»، سیاست‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های منطقه‌ای از جمله حمایت از قربانیان تروریسم، کمک به خسارت دیدگان ناشی از وقایع تروریستی و همچنین رعایت آموزه‌های حقوق بشری را گامی استراتژیک برای مقابله با این پدیده معرفی می‌کنند. سعید حکیمی‌ها (۱۳۹۰)، در پژوهش «سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال مبارزه با تروریسم» به بررسی و نسبت‌سنجی احکام فقهی از جمله محاربه، بغی، فساد فی الارض و... با ناامنی و تروریسم می‌پردازد و در همین راستا استدلال می‌کند که سیاست-های جنایی جمهوری اسلامی ایران با توجه به آموزه‌های دینی و شرعی در راستای حقوق بشر، کرامت انسانی و حفظ نظم و اجتماع صورت می‌گیرد. آنچه در کل می‌توان به عنوان امنیت ملی از آن یاد کرد.

تحقیقات ذکر شده هر کدام به‌نحوی به بررسی مقوله تروریسم و امنیت ملی پرداخته‌اند. با این حال، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا به بررسی مصادیق جرایم تروریستی در حقوق ایران پرداخته شود و در نهایت تأثیر آن بر امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱. ضرورت تحقیق

بررسی و نسبت سنجی تروریسم و امنیت ملی در حقوق ایران از آن جهت حائز اهمیت است که امروزه تروریسم به عنوان مقوله‌ای مهم در امنیت ملی کشورها از جمله جامعه ایرانی تأثیرگذار است. وجود یا عدم وجود وقایع تروریستی در یک کشور، نحوه مواجهه و مقابله با آن و چگونگی تدوین قوانین در این زمینه، نقش مهمی بر مقوله امنیت ملی در کشور دارد. به دلیل همین ضرورت‌هاست که پژوهش حاضر چنین موضوعی را به عنوان هدف خود برگزیده است و در صدد بیان نواقص حقوقی جهت مبارزه با تروریسم برآمده است.

۴-۱. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی در زمینه موضوعات مورد بحث گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ضمن اینکه به دلیل توجه به مصادیق تروریسم و ارتباط آن با مقوله امنیت و راهکارهای مبارزه با آن از جهت حقوقی و قانونی رویکرد موردی برای بررسی مصادیق تروریسم در حقوق داخلی نیز اتخاذ شده است.

۲. مبانی نظری: امنیت ملی و عناصر آن

کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت: در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۶: ۳۸). امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود. هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است. واژه ی امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد. بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارایی پیدا کند. «والتر لیمن» محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد. نکته ای که در اینجا لازم به یادآوری است، مفهوم امنیت می‌باشد. آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مفهوم امنیت ملی

است نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه برمی گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه هایی چون «ملی» و «ملت»، خلق شد و دارای تعاریف و محدوده های خاصی گشتند. (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۹)

امنیت ملی بر پایه دو ستون ملت و دولت بنیاد شده و چون دولت از سوی مردم گزینش می گردد، در هر حال این ملت است که موضوع امنیت ملی خواهد بود و از این رو تهدیدها بر ضد امنیت ملی پیوند ناگسستنی با هستی و استواری یک ملت دارد. در نگاه نخست، هستی یک ملت با دست اندازی ملت دیگر تهدید می شود و با این سنج، تهدید علیه امنیت ملت - دولت، همواره بیرونی خواهد بود؛ به همین دلیل گفته شده که «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسؤولیت حکومت های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۵).

امنیت ملی، واژه ای برخاسته از دولتهای مردم سالار است و گرایش این دولتها به امنیت ملت (مردم یا شهروندان) و امنیت دولت هر دو است. از آنجا که ستون های امنیت ملی بر سرزمین، مردم و دولت (فرمانروایی) بنیاد گرفته، باید پذیرفت که موضوع نخستین امنیت ملی، دولت است؛ چه دولت بازیگر اصلی هم در سطح داخلی است و هم در سطح بین المللی و این دولت است که میان فرمانروایی، سرزمین و شهروندان، پیوند می زند. پس نباید پنداشت که هر شهروندی، موضوع امنیت است و نباید پذیرفت که خواست ها و آزادی های شهروندان در امنیت ملی جایگاه دارند. آنچه در امنیت ملی برجستگی دارد، هستی و ماندگاری شهروندان در برابر تهدیدهاست و چون این تهدیدها ممکن است از سوی شهروندان پدید آیند، گاه گاه موضوع کنش های بازدارنده یا سرکوبگر دولت قرار می گیرند. نکته همین جاست که چون دولت یا مردم، موضوع امنیت ملی هستند، هستی آزادی ها و حقوق بشر به خطر می افتد و اگر امنیت ملی بال و پری داشت که برای دربرگرفتن همه آزادی ها و خواست های شهروندان بگستراند، چه رویارویی ای میان امنیت و آزادی بود و چه ستمی بر شهروندان می رفت؟ (تریف تری و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶). امنیت بیش از آنکه مفهومی قابل توضیح و تعریف باشد، امری ذهنی، محسوس و قابل درک است. گستره درک این مفهوم به اندازه تمام موجوداتی است که حیات خود آگاهانه دارند. هر مخلوقی که توانایی درک حیات خود را داشته باشد می تواند عدم حیات خود را نیز متصور شود، در نتیجه در برابر شرایطی که به عدم حیات منجر می شود مقاومت می کند. این مقاومت را می توان به عنوان تلاش برای رفع تهدیداتی تعریف کرد که به نابودی حیات منجر می شوند. لذا امنیت به عنوان ابزاری برای حفظ، تداوم و ارتقاء حیات برای

او قابل درک است. چنان که ماندل نیز بدان تصریح می‌کند «امنیت کامل و حقیقی قابل حصول نیست، بلکه انسانها همواره تلاش می‌کنند تا تحت شرایط بالقوه معارض با امنیت، تا سر حد امکان امنیت افزایش پیدا کند» (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲).

از نظر بری بوزان نیز امنیت ملی دارای ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۲). از این جهت امنیت ملی دارای ابعاد و عناصر مختلفی است. ضمن اینکه مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خرابکارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفته امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است، یعنی آمادگی برای مخاصمه به خاطر بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن با این همه، خود سیاست‌های مربوط به امنیت ملی ممکن است در شرایط مخصوصی (مثل مسابقه تسلیحاتی و کنترل تسلیحات) موجب ناامنی گردد و روحیه نظامی، تعداد و هوشمندی دانشمندان، تکنولوژی، ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل موثر در امنیت ملی است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۸۹: ۴۴۳). هرچند مفهوم امنیت به عنوان نیاز بشری، از دیر باز در اذهان و نوشته‌های فیلسوفان قدیم به گونه‌ای مطرح بوده، اما واژه «امنیت ملی به دنبال تشکیل دولت ملت‌های جدید به گونه‌ای گسترده وارد متون سیاسی و روابط بین‌الملل شده است. در این فرآیند، امنیت از محدودیت تک‌ساحتی و «تک‌سطحی» به درآمده و در مفاهیم جدید ابعاد فرهنگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی به بعد سنتی آن، یعنی نظامی افزوده شده و افزون بر دولت محوری، «در سطوح فردی»، «امنیت انسانی»، «سطوح اجتماعی»، «جهان‌گرایی» را نیز در بر گرفته است (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۸) با این وجود هنوز به ساختن مفاهیم جدیدی از ایده‌ی امنیت ملی نیاز داریم؛ نه به این سبب که وارد دورانی منحصر به فرد و غیر قابل پیش‌بینی می‌شویم، بلکه بیشتر به این علت که به دورانی بسیار متفاوت از گذشته وارد می‌شویم.

۳. جرایم تروریستی در حقوق ایران

به اعتقاد برخی در نظام قانونگذاری ایران با سکوت و خلأ قانونی در باب جرایم تروریستی مواجه هستیم و جرمی تحت عنوان «جرم تروریستی» در نظام حقوقی ایران وجود ندارد؛ لکن با این وجود جرایم تروریستی در حقوق و رویه قضایی ایران را می‌توان در قالب عناوین مجرمانه دیگری مانند محاربه، افساد فی الارض، بغی، خرابکاری در تأسیسات عمومی و امثالهم شناسایی و تحت تعقیب قرار داد (غلامی، ۱۳۹۰: ۳۵) در مقابل گروهی از جمله نگارندگان این مقاله قائل به این نظرند که در نظام قانونگذاری ایران می‌توان با استناد به برخی از قوانین و مقررات موجود و بنا به استدلال‌ها و توجیهات ذیل پذیرفت که «جرایم تروریستی» نیز در قالب یک عنوان کلی

مشابه «جرایم اقتصادی» و یا «جرایم سیاسی» در حقوق ایران به طور خاص نیز مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که این امر یعنی جرایم تروریستی در ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی سال ۱۳۹۷ تحت عنوان «اعمال تروریستی» به طور خاص جرم‌انگاری شده است و نمی‌توان آنها را به عنوان مصداقی از جرایم در حکم محاربه و یا افساد فی الارض تلقی نمود؛ زیرا:

اولاً، وجود عبارات و اصطلاحاتی چون ۱- «افراد تروریست»، «سازمان‌های تروریستی»، «اعمال تروریستی» در قسمت صدر ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اصلاحی ۱۳۹۷ و ۲- تصریح به کلماتی چون «ارتکاب اقدام خشونت‌آمیز»، «خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی»، «اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی» و سایر کلمات در بند های «الف» تا «ب» این ماده به ویژه ۳- اشاره به اصطلاح «جرم تروریستی» در بند «ت» ماده مزبور، می‌تواند مؤیدی جهت پذیرش جرم تروریسم در ادبیات قانونگذاری ایران بوده باشد. ثانیاً همانگونه که در حقوق ایران، اصطلاح «جرایم سیاسی» و «جرایم اقتصادی» تحت عنوان جرم خاص مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است؛ لکن باید بیان کرد که جرایم اقتصادی و یا جرایم سیاسی خود مشتمل بر یک رفتار مجرمانه خاص نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از اعمال و رفتارهایی می‌شود که هریک از آنها به نوبه خود در حقوق جزای ایران به عنوان یک رفتار مجرمانه مستقل و خاص جرم‌انگاری شده‌اند، اما قانونگذار ارتکاب این اعمال و رفتارهای مجرمانه به لحاظ یکسری از دلایل و اهداف خاص، خواسته است تا در ذیل یک عنوان کلی خاص مثلاً جرایم سیاسی یا جرایم اقتصادی به تبعیت از برخی قواعد و سیاست‌های کیفی خاص، مورد بررسی قرار گیرند، نه اینکه مثلاً جرم اقتصادی یک جرم مستقل از جرایمی مانند اختلاس، تصرف غیر قانونی، جرایم گمرکی و غیره بوده باشد. در هر صورت، نمونه‌های بارز مصداق جرایم (اعمال) تروریستی در حقوق ایران را می‌توان در جرایمی از قبیل جاسوسی، خیانت به کشور، محاربه، تخریب و تشکیل و اداره گروه‌ها و... علیه نظام و عضویت در گروه‌ها و... علیه نظام جست‌وجو نمود.

از دیگر جرایمی که مصداقی از اعمال تروریستی می‌باشد، تشکیل و اداره گروه‌ها بر علیه نظام است. در همین زمینه، ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی در این مورد بیان می‌دارد: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود». سابقه تاریخی این ماده به سال ۱۲۹۰ «قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکتی» بر می‌گردد. می‌توان گفت، این ماده از

ماده ۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ گرفته شده است. مطابق ماده اخیر: «هرگاه ثابت شود که گروهی در خفا برای امنیت کشور دسته‌بندی و سازماندهی نموده و تصمیم گرفته‌اند، ولی قصد براندازی نظام نداشته باشند، به حبس از یک سال تا ده سال محکوم خواهند شد». که ماده ۴۹۸ ابهام موجود قانون سابق، در خصوص تعداد نفرات لازم برای تحقق جرم را برطرف و حداقل سه نفر را کافی برای تحقق جرم دانسته است.

ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد، مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است». هدف مقنن از جرم‌انگاری بواسطه این ماده مجازات افرادی است که در دسته و جمعیت تشکیل شده توسط افراد مذکور در ماده قبل، عضو می‌باشند و بدین طریق خواسته است از افزایش تعداد اعضای این نوع گروه‌ها پیشگیری نماید.

اما صلاحیت دادگاه انقلاب براساس جرایم خاصی تعیین می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای مهمی را نقض می‌کنند. اولین طیف از جرایمی که در این قانون مشمول صلاحیت دادگاه‌های انقلاب هستند (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی‌اند که شامل محاربه و افساد فی‌الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه حکومت اسلامی، احراق و تخریب اموال و اقدام مسلحانه به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی است. دادگاه انقلاب حافظ حاکمیت نظام جمهوری اسلامی است و هر عملی در جهت تضعیف امنیت جامعه و قدرت حکومت اسلامی به صورت ویژه در این دادگاه رسیدگی خواهد شد (سقطچی، ۱۳۹۶: ۱۱). بدیهی هست رسیدگی به جرایمی تروریستی که بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشد نیز با تعیین صلاحیت قضایی اختصاصی در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به عنوان آخرین قانون حاکم بر جرایمی نظیر جرایم ناقض امنیت ملی، دچار تغییراتی در رابطه با بیان مصادیق جرایم تروریستی نیز شده است. از جمله اینکه با مذاقه در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در میابیم که اگر قانونگذار مطابق با سیاق و روشی سابق خویش به صراحت از جرایم تروریستی موادی را مقرر ننموده است، لکن در اقدامی بجا و شایسته، بوسیله بازنگری در جرم محاربه، تعریف قانون‌گذار از جرم محاربه و برخی مصادیق آن در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دچار تحول شده است. به صورتی که بعضی از مصادیق محاربه در قانون مجازات اسلامی سابق (مصوب ۱۳۷۰)، عنوان مجرمانه مستقل و جدیدی بنام «بغی» گرفته است و بدین وسیله گستره جرم‌انگاری جرایم مرتبط مانند جرایم تروریستی را نیز شامل می‌گردد.

۴. رویکرد حقوق ایران به جرایم تروریستی و امنیت ملی

در ایران از حیث مرجع شایسته به رسیدگی به اتهام تروریست‌ها رویکرد سختگیرانه‌ای اتخاذ شده است. طبق قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد صلاحیت دادگاه‌های انقلاب توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷: ۲۵۹۵). بنابراین برای رسیدگی به جرایم تروریستی، اصلی‌ترین دلایل برای شناسایی اعمال تروریستی، نسبت آنان با تهدید امنیت ملی است. جرایم تروریستی و نحوه مقابله، کنترل، و حتی مواجهه با آثار پس از وقایع تروریستی در جمهوری اسلامی ایران نیز دارای آثار خاصی بر امنیت ملی است که از چند جهت می‌تواند قابل تأمل باشد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱. اصل براءت؛ رویکردی مردم‌سالارانه به امنیت ملی

اصل براءت به عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق جزا از جمله مهم‌ترین اصول تفسیری حاکم بر مقررات جزایی محسوب می‌شود. اصل مزبور به دلیل توجه خاص به حقوق شهروندان نگاهی مردم‌سالارانه به مقوله امنیت ملی دارد. اصل براءت از این جهت همسو با امنیت ملی و امنیت مردم‌سالار است. توضیح اینکه امنیت ملی بر پایه دو ستون ملت و دولت بنیاد شده و چون دولت از سوی مردم گزینش می‌گردد، در هر حال این ملت است که موضوع امنیت ملی خواهد بود و تهدیدها بر ضد امنیت ملی پیوند با هستی و استواری یک ملت دارد. در نگاه نخست، هستی یک ملت با دست اندازی ملت دیگر تهدید می‌شود و با این سنج، تهدید علیه امنیت ملت - دولت، همواره بیرونی خواهد بود؛ به همین دلیل گفته شده که «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسؤولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند» (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۵).

اصل براءت به عنوان یک قاعده فقهی مؤثر، جلوه خاصی به شیوه‌ها و راهکارهای مقابله با تروریسم می‌بخشد. اصل مزبور به طور مشخص به معنی حاکمیت فرض بی‌گناهی افراد است، مگر اینکه با ادله محکم، جرم آنان ثابت شود. براءت از جمله اصولی است که ضامن حفظ شرافت و حیثیت و آبروی افراد است. در حقیقت این اصل تضمین رعایت کرامت انسانی و حفظ حرمت اشخاص است. محتوای اصل براءت این است که هیچ کس مجرم نیست، مگر اینکه جرم او مطابق اصولی قانونی و رعایت تشریفات مقرر، ثابت شده باشد (موحد، ۱۳۸۴: ۹۳). همین رویکرد هنگامی که در مقوله تروریسم و اعمال تروریستی به کار گرفته می‌شود، جلوه خاصی به امنیت ملی می‌بخشد. بدین معنا تا زمانی که عمل تروریستی در دادگاه صالح و با داشتن

وکیل اثبات نشود، از حیث عمل تروریستی خارج است. بر مبنای این اصل که در مقررات بین-المللی و قوانین داخلی کشورها و به ویژه در قوانین اساسی و کیفری آنها پیش‌بینی شده است، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود و در صورت ورود اتهام به وی، به سبب فرض بی‌گناهی مدعی باید گناه وی را اثبات نماید، چون در بسیاری از دعاوی کیفری فصل خصومت و احقاق حق جز از طریق دادرسی عادلانه امکان‌پذیر نیست، این عدالت اقتضا می‌کند در مواردی که شخصی در معرض تهمت قرار گرفته و متهم می‌شود، بی‌گناهی وی جز در صورت ارائه دلیل قانع‌کننده استمرار یابد. بنابراین تا وقتی تعقیب‌کننده نتواند ارتکاب فعل مجرمانه متهم را اثبات نماید، عدم ارتکاب فعل مجرمانه و عدم سوءنیت وی استصحاب می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۶۸). بنابراین اصل برائت و رعایت آن در اعمال تروریستی همسو با امنیت ملی و امنیت مردمسالارانه است.

هرچند مقابله با جرایم تروریستی در ایران، مبنایی قانونی دارد و همانند سایر جرایم اصل بر برائت است، اما رویکردهای عملی مقابله با تروریسم، غالباً تحت تأثیر حساسیت‌های موجود، با رویکردی امنیتی دنبال می‌شود. بنابراین در ایران نیز شاهد وضع مقررات افتراقی در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی از جمله جواز بازداشت موقت (بند پ ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲)، ایجاد صلاحیت قضایی اختصاصی، امکان جلب قبل از ارسال احضاریه، محدودیت تماس تلفنی، محدودیت دسترسی به وکیل و اختیارات وی، جواز ضبط مکالمات و کنترل نامه‌ها، جواز برگزاری دادرسی غیر علنی می‌باشیم. به عنوان مثال، بررسی نحوه دستگیری و بازداشت افرادی مانند ریگی، و حتی کسانی که باعث اختلال در سایت‌های هسته‌ای و شهادت دانشمندان هسته‌ای شدند، نشانگر امنیتی بودن مقابله با جرایم تروریستی در ایران است. بنابراین شرایط کنونی اقتضا می‌کند که دستگیری، محاکمه و صدور احکام برای افراد تروریست تابع قوانین ذکر شده در مواد و قوانین نباشد. با این حال، وجود قوانین و مقررات در این زمینه نشانگر تعارض عمل و قوانین نیست، بلکه نشانگر حساسیت‌های موجود در زمینه مقابله با جرایم تروریستی است. چنانچه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رسیدگی به جرایم امنیتی در مواردی چون دسترسی به وکیل و نحوه ابلاغ رأی دارای آیین دادرسی افتراقی است. بدین نحو که تبصره ماده ۴۸ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۳ در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی، طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌گردد» یا تبصره ۲ ماده ۳۸۰ همین قانون در مورد نحوه ابلاغ رأی در جرایم امنیتی مقرر می‌دارد: «در جرایم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی

از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی‌نفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید (زراعت، ۱۳۹۴: ۱۳۲). این اصول در رسیدگی به اعمال تروریستی نیز به کار گرفته می‌شود، اما مخفی بودن اطلاعات مربوط به نحوه دستگیری، تفهیم اتهام و حتی صدور احکام برای تروریست‌ها نقش نسبی بودن رویکردها در قبال اعمال تروریستی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال روشن است که فعالیت‌های یک فرد جاسوس اسرائیلی و لبنانی که اعمال تروریستی در ایران انجام می‌دهند، همسان نیست و بدیل حساسیت‌های موجود و به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی از سوی ایران بسیار سختگیرانه و امنیتی دنبال می‌شود.

اصل اساسی در مقابله با فعالیت‌های تروریستی آن است که هر عملی که به نحوی موجب اختلال در امنیت داخلی شود، مستحق شدیدترین مجازات است (حکیمی‌ها، ۱۳۹۰: ۹۴). اما مصادیق، نحوه محاکمه تروریست‌ها و تلقی ضد امنیت ملی از آن، غالباً با رویکردهای سیاسی و میزان دوستی و دشمنی با کشور متبوع فرد تروریست آغشته است. در ایران، فعالیت‌های تروریستی هنگامی ضد امنیت ملی تلقی می‌شوند که مرزهای کشور، وضعیت داخلی و همچنین امنیت شهروندان و مقامات سیاسی را به خطر بیندازد. این موضوع نشان می‌دهد که مقابله با تروریسم در ایران، معطوف به مرزهای داخلی است و صبغه تهاجمی ندارد. هرچند برخی رویکردها امنیت ملی را به مرزهای بیرونی نیز تسری می‌دهند، اما رویکرد قانونگذار در مقابله با تروریسم و جرایم تروریستی، معطوف به مرزهای داخلی است. همچنین از آنجایی که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیوند عمیقی با دین اسلام و آموزه‌های آن دارد، حمایت از قربانیان تروریسم و رعایت حقوق بشر در این زمینه به عنوان یک موضوع راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، در راستای تقویت امنیت ملی و همچنین اتخاذ رویکرد حقوقی، اصول راهبردی دین مبین اسلام برای مقابله با تروریسم، با هدف جلوگیری از تکرار و عدم مقابله به مثل با اقدامات تروریستی است (شریفی طراز کوهی و شبستانی، ۱۳۹۰: ۳۲).

۲-۴. دیپلماسی دفاعی در برابر تروریسم

امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران به مسأله ثبات داخلی و خارجی نیز گره خورده است که بیش از همه ناظر به تحولات داخلی در منطقه خاورمیانه است. دلایل متعددی وجود دارد که نشانگر رویکرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت ملی است. بر این اساس، قوانین کیفری داخلی و همچنین استراتژی منطقه‌ای در خارج با هدف برقراری ثبات و جلوگیری از گسترش تروریسم به داخل کشور است. بنابراین برخلاف رویکرد تهاجمی ایالات متحده جهت مقابله با تروریسم به اتخاذ قوانین توسعه طلبانه در داخل و خارج واقعی

نمی‌نهد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر آرمان الهی، مبانی و اندیشه‌های سیاسی رهبران انقلاب و همچنین تأمین منافع داخلی و امنیت خود، بر شکل‌گیری دولت‌های مستقل و قدرتمند در منطقه تأکید می‌نماید (قاسمی، ۱۳۹۷: ۸). این رویکرد دفاعی در حالی از سوی جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود که تهدیدات تروریستی فراوانی در اطراف این کشور دیده می‌شوند. بنابراین حوادث تروریستی متعدد و بروز آشکال متعدد وقایع تروریستی در منطقه باعث نشده تا جمهوری اسلامی ایران رویکردی تهاجمی جهت بدست آوردن امنیت ملی اتخاذ نماید. به عبارتی ساده‌تر، ج.ا.ایران در حساس‌ترین منطقه از جهت وجود تروریسم قرار دارد. با این حال سیاست‌های مقابله با تروریسم همچنان بر محوریت دفاعی تدوین می‌شود. بنابراین دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزار نرم امنیت ملی بایستی شرایط را برای عدم تحرک برنامه اقدام به سمت گسترش حوزه تسلیحات فراهم آورد (ذوالفقاری و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست دفاعی در قبال تروریسم، امنیت ملی خود را بر پایه دفاع از حیثیت ملی، سازگاری با قواعد حقوق بشری و مقابله به تروریسم فراگیر طراحی نموده است. به طوری که می‌توان گفت از جمله اقدامات مؤثری که جمهوری اسلامی ایران در جهت تقویت امنیت ملی خود از راه مقابله با تروریسم انجام داده است، اقدامات پیشگیرانه حقوقی در این زمینه است که بیش از هر چیز نوعی مطابقت با قواعد حقوق بشری است. از جمله می‌توان پذیرش لوایح مربوط به لایحه قانون مبارزه با تروریسم و کنوانسیون کنفرانس اسلامی اشاره نمود (شریفی طرازکوهی و شبستانی، ۱۳۹۰: ۳۱). همچنین در راستای تقویت امنیت ملی، جبران خسارت ناشی از حوادث تروریستی نیز در دستور کار قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، بند ۲ لایحه ۱۸ بودجه سال ۱۳۸۵، به این مسأله اشاره نموده است. بنابراین در این زمینه، قانونگذار از قربانیان آن دسته از اعمال تروریستی که بر اثر نقض مقررات ناشی از حقوق مصونیت سیاسی و دیپلماتیک آسیب دیده‌اند، به صورت ویژه حمایت نموده است (شریفی طرازکوهی و شبستانی، ۱۳۹۰: ۳۳). این حمایت مخصوصاً از آن جهت اعمال می‌گردد که مقابله با جرایم علیه امنیت ملی معطوف به حمایت از حقوق شهروندان است و به همین دلیل، اعمال تروریستی که باعث به خطر افتادن نظم و امنیت عمومی می‌شوند، همواره مشمول قوانین سختگیرانه و سازش ناپذیر می‌شوند.

نتیجه‌گیری

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوع تروریسم و دستیابی به امنیت ملی، رویکردی دفاعی و بر مبنای اصل برائت و توجه به اصول مردمسالارانه است. با این حال در این زمینه و در جهت اصلاح رویه‌های مقابله با تروریسم و تأمین امنیت ملی پایدار می‌توان مواردی را مورد

توجه قرار داد. با توجه به حساسیت جرایم تروریستی و ارزش اجتماعی اساسی آنان و تأثیرگذاری بر امنیت ملی، از حیث ماهیت و اثر مخرب آنها و به منظور تأمین هرچه بهتر مصالح عالیه دولت، حکومت و ملت، اقتضاء دارد که قانونگذار ایران اولاً در قالب قانون خاصی و یا فصل و عنوان خاصی را به جرایم تروریستی و آیین دادرسی ویژه آن به صورت منسجم و یکپارچه اختصاص دهد و یا اینکه لاقلاً به الحاق یک ماده یا تبصره به قوانین و مقررات موجود مواردی از قبیل حق سکوت، معکوس شدن بار اثبات دلیل و... را بگنجاند. همچنین پیش‌بینی یک مبنای حقوقی و معیار و ملاک مناسب و مشخص توسط قانون‌گذار برای مداخله به موقع (نه صرفاً زود هنگام) کنشگران حقوق کیفری در مقابله با جرایم تروریستی اجتناب‌ناپذیر است. به نظر می‌رسد اتخاذ چنین رویه‌ای به شکل مطلوبی می‌تواند ضامن امنیت ملی پایدار در مقابله با تروریسم باشد. معیار و ملاک مذکور باید به نوعی باشد که از یک سو، حقوق شهروندی و آزادی‌های بنیادی متهمان یا مرتکبان جرایم علیه امنیت تضمین شود و از سوی دیگر، دست کنشگران عدالت کیفری در دخالت به موقع و مناسب بسته نشود. در ارتباط با تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت، به عنوان مهم‌ترین جرمی که در آن بیم نقض حقوق شهروندی مظنون، متهم یا مجرم در جهت تضمین امنیت و حقوق حاکمیت مجازات کردن صرف اندیشه مجرمانه، علاوه بر توافق، یک نمود عینی و خارجی از آن را نیز برای تحقق جرم مذکور شرط بدانند؛ زیرا در غیر این صورت، معیار و ملاک مشخصی برای اثبات اینکه آیا تبانی صورت گرفته یا نه وجود ندارد و در نتیجه، امکان اعمال نظر سلیقه‌ای قضات در این زمینه بیشتر می‌شود که این امر خلاف آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی افراد و همچنین اصول حاکم بر حقوق جزا است. ثانیاً، به منظور پیشگیری از وقوع جرایم علیه امنیت ملی و کشف سریع‌تر آنها، هرگونه همکاری و مساعدت تبانی‌کنندگان با دستگاه‌های «پلیسی» و «قضایی»، پیش از ارتکاب جرم مقصود موجب معافیت یا تخفیف زیاد آنها دانسته شود.

منابع و مأخذ:

- استیوارت کرافت، نویناثر، مورگان، پاتریک، تریف، تری، جیمس،
لوسی (۱۳۸۳): **مطالعات امنیتی نوین**، برگردان علیرضا طیب و وحید
بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- آقابخشی، علی، افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳)، **فرهنگ علوم سیاسی**،
تهران: انتشارات چاپار.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولتها و هراس**، تهران: مترجم و ناشر
پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حکیمی‌ها، سعید (۱۳۹۰)، سیاست جنایی ایران در قبال مبارزه با
تروریسم، **مجله سیاست دفاعی**، سال نوزدهم، شماره ۷۶، صص ۹۹-
۵۵.
- ذوالفقاری، مهدی، خسروی، ایمان (۱۳۹۴)، تحرک بخشی به دیپلماسی
دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تأثیر آن
بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، **پژوهش‌های
روابط بین‌الملل**، دوره اول، شماره بیست و دوم، صص ۱۲۷-۱۰۱.
- شریفی طرازکوهی، حسین، شبستانی، علی (۱۳۹۰)، مقابله با تروریسم
در پرتو سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران، **مجله سیاست
دفاعی**، سال نوزدهم، شماره ۷۶، صص ۹-۵۵.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، اصل برائت و موارد عدول از آن
در حقوق کیفری، **مجله مجتمع آموزش عالی قم**، سال چهارم،
شماره چهاردهم، صص ۸۸-۶۵.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی ایران و ایالات
متحده در قبال تروریسم، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال هشتم،
شماره ۲۸، صص ۲۲-۱.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران، نشر
پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، علی (۱۳۹۳)، «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»،
روزنامه جام جم، مورخ ۳۰/۸/۹۳.
- معصومی، مجید، ساعی، احمد (۱۳۹۱)، «تأثیر تروریسم بر امنیت ملی
(جمهوری اسلامی ایران)»، **دانشنامه حقوق و سیاست**، شماره ۱۸،
صص ۶۱-۳۷.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۴)، **در هوای حق و عدالت (از حقوق
طبیعی تا حقوق بشر)**، چاپ سوم، تهران: نشر کارنامه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، **دانشنامه
جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.